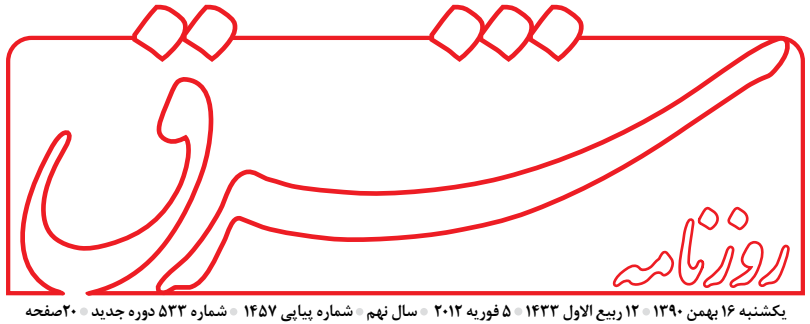




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نامبر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۵۷۵
امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewsaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۷:۵۴ اذان صبح فردا ۵:۳۶ طلوع آفتاب ۷:۰۱



آغاز تور اکران اروپایی فیلم پسر مارکز

فیلم «آلبرت ناز» به کارگردانی «رودریگو گارسیا» از ۲۶ ژوئن در سینماهای آمریکا اکران عمومی شده و از فوریه به سینماهای اروپا می‌رسد. به گزارش هالیوود ریپورتر، «آلبرت ناز» داستان زندگی زنی است که برای یافتن کار، خود را به صورت مردانه درمی‌آورد. رودریگو گارسیا، پسر گابریل گارسیا مارکز نویسنده چیره‌دست کلمبیایی است. این داستان برای هر دوره و قرنی مصداق دارد. آلبرت ناز نامزد دریافت سه جایزه اسکار شده و گلن کلوژ برای دریافت اسکار بهترین بازیگر با مریل استریپ در فیلم «بانوی آهنین» در حال رقابت است.

پی‌تعارف

استخوان لای زخم چرا؟

مینو مشیری

■ خواندم در «نشست عصر روشن» که در آغازین روزهای هفته سوم دی‌ماه برگزار شد، آقای محمدعلی سپانلو گفتند: «چرا وقتی ترجمه خوبی از آثار یک نویسنده مطرح جهان در بازار کتاب ایران وجود دارد، باز هم باید شاهد ترجمه‌های مختلف از همان اثر باشیم؟!»

سوال متین است، اما آیا آقای سپانلو مثال‌هایی هم آوردند؟ من در آن نشست نبودم و نمی‌دانم، اما حدسم این است طبع لطیف شاعر اجازه نداد با آوردن مثال کسی را برنجانند. اما این کافی نیست و استخوان لای زخم گذاشتن است. نویسندگان، منتقدان و روزنامه‌نگاران صفحات ادبی مطبوعات را به زبان‌های خارجی تسلطی ندارند. آثار خارجی را نمی‌توانند به زبان اصلی بخوانند. آقای سپانلو اما زبان فرانسوی را خوب می‌دانند و به ادبیات فرانسه اشراف دارند. بی‌تردید رمان «بیگانه» اثر آلبر کلمو را به زبان اصلی خوانده‌اند و می‌دانند تاکنون هفت یا هشت ترجمه از این کتاب به فارسی انجام شده است. آیا حاضرند بگویند کدام ترجمه بهتر است و چرا لزومی نیست ترجمه‌های دیگر و بهتری از همین اثر به بازار بیاید؟

بدیهی است برای مقایسه ترجمه‌های گوناگون از یک اثر به کارشناس ادبی و منتقدی باسواد و زبان‌دان و بی‌طرف نیاز است. نیاز به مقایله ترجمه با متن اصلی است و اینکه آیا مترجم امانت لازم را به خرج داده، لحن و سبک و دوره تاریخی موردنظر نویسنده را درک کرده و توانسته منتقل کند، یا خیلی ساده‌تر آیا اصلا متن را فهمیده؟!

این نیست که کسی را برای این کار نداشته باشیم، اما بعید می‌دانم آن افرادی که دانش لازم را دارند حاضر بشوند، حوصله کنند، وقت بگذارند تا این مهم را انجام دهند و مکتوب کنند. آیا می‌توان متصور شد استاد احمد سمیعی گیلائی، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر عزت‌الله فولادوند، دکتر مصطفی نادرزاد یا دکتر جلال ستاری اوقات گرانبهایشان را بگذارند و ترجمه من و شما را ارزیابی کنند؟!

پس می‌ماند چند نفری که به مدد توان تخیل حیرت‌انگیزی خود را منتقد ادبی جا می‌زنند و این و آن را «کشف» می‌کنند و صفحات ادبی مطبوعات با جوانانی که نه زبان می‌دانند و نه با ادبیات کلاسیک یا مدرن جهان آشنایی دارند و ایدا بضاعت این کار را ندارند و دو عدد کتاب از میلان کوندرا و ویرجینیا وولف- آن هم با ترجمه‌های بد- خوانده‌اند و خیال می‌کنند علامه دهر هستند. می‌ماند همان باندبازی‌ها و رقافت‌های مافیایی و نان قرض دادن‌های حقیر...

و تااین وضع ادامه دارد شاید بهتر که ترجمه‌های متعدد از آثار مطرح نویسندگان جهان داشته باشیم تا شاید لاقل یکی از این «شاهکار»ها قابل تحمل و اعتنا باشد. اما سکوت صاحب‌نظران ستودنی نیست. شاید بد نبود وزارت ارشاد سختگیری بیشتری در دادن مجوز به ترجمه‌های بسیار اسفناکی که در بازار کتاب فراوان می‌بینیم اعمال می‌کرد. ناشران هم اگر به جای اهمیت و نمداری نویسنده به توان و سواد و پیشینه کاری مترجم توجه بیشتری می‌کردند بد نبود.

بسیاری از «ترجم»‌ها کارشان ترجمه نیست، تخریب است. همین.

در شهر

حذف ۱۸۰۰ سازه تبلیغاتی از تهران

■ سازمان زیباسازی شهر تهران در راستای حذف فضاهای تبلیغات محیطی بمنظور و همچنین زیبای‌بخشی به فضاهای شهری، اقدام به جمع‌آوری ۱۴ هزار مترمربع فضای تبلیغاتی شهری کرده است. به گزارش روابطعمومی سازمان زیباسازی شهر تهران، دکتر محمدجواد شوشتری، مدیرعامل این سازمان با بیان اینکه اگرچه حذف این مقدار فضای تبلیغاتی، بخشی از آورده مالی سازمان را نیز حذف می‌کند، گفت: مهم‌ترین هدف سازمان زیباسازی قوام‌بخشی به زیبایی شهر و حذف اغتشاشات بصری آن برای ارتقای کیفیت بصری فضای شهر است. چراکه با این کار امنیت روانی شهروندان نیز تأمین می‌شود. او با تأکید بر پیگیری بحث ساماندهی فضاهای تبلیغات محیطی در شهر تهران و این نکته که ساماندهی تبلیغات محیطی یک فرآیند تدریجی و همیشگی از سوی سازمان زیباسازی خواهد بود، گفت: این سازمان علاوه بر جمع‌آوری فضاهای مزاحم و بمنظور تبلیغات محیطی تلاش کرده تا ضمن برپایی نشست‌های تخصصی با موضوعات مختلف مبلغان شهری و تبلیغات محیطی از نظر کارشناسان و استاندان دانشگاه برای به‌روز کردن اطلاعات و به کارگیری فناوری‌های نو در این عرصه بهره گیرد.

پلاک ۲۰

یونسی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات:

انحلال «خانه سینما» هیچ توجیهی ندارد

حمید جعفری



وزارت متبوعش رنگی بود؛ «به رنگ ارغوان». هر جا که «به رنگ ارغوان» بود نام «علی یونسی» وزیر اطلاعات دولت «اصلاحات» هم در میانه بود. البته این ماجرا شاید بی‌ربط به نحسی ۱۳ هم نباشد. «به رنگ ارغوان» سیزدهمین فیلم «براهیم حاتمی‌کیا» بود که چهار سال توقیف شده بود. رنگ این توقیف با توقیف‌های سینمایی دیگر کمی متفاوت بود، یعنی ارغوانی بود! سال ۸۲

این فیلم ساخته شد و قرار بود در جشنواره فیلم فجر بیست‌وسوم به نمایش درآید که به نمایش درنیامد. درست در آستانه انتخابات ۸۸ «سیدجمال ساداتیان» تهیه‌کننده این فیلم طی نامه‌ای به «محمد احمدی‌نژاد» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران خواستار رسیدگی به وضعیت اکران عمومی «به رنگ ارغوان» شد. خلاصه اینکه در آن میانه رف توقیف این فیلم به نام «جواد شمقدری» رقم خورد.

ماجرای «به رنگ ارغوان» دوساره و چندپاره باید مرور شود، چرا که یک روز «شمقدری»، «به رنگ ارغوان»‌اش را رفع توقیف کرد، یک روز «گزارش یک جشن»‌اش را توقیف کرد. تازه بد نیست بدانید این روزها «حاتمی‌کیا» فیلمی در جشنواره فجر دارد (البته به عنوان بازیگر) که هنوز تکلیف نمایش آن هم معلوم‌نیست.

شاید تا اینجا یی کار شما مخاطب عزیز با این اطلاعاتی که در این سطور خواندید کمی گیج شده باشید. اما اینجا گفته شد تا به اینجا برسیم که «علی یونسی» را وقتی در برج میلاد دیدم تمام این سطور در ذهنم رقم خورد. این بار دیگر نه «یونسی» وزیر اطلاعات است و نه فیلمی به دستور او در محاق توقیف.

تنها روحانی حاضر در سالن اصلی برج میلاد نبود، اما آنقدر بودند که شناسایی «علی یونسی» و «هادی خاмене‌ای» از پشت سر امکان‌پذیر نبود. همچنان که منظر شروع فیلم بودیم خدمت حاج‌آقا رسیدم، خودم را معرفی کردم و از این رو که «کار نیکو کردن از پر کردن است» کارت شناسایی – خبرنگاری‌ام را نشان دادم و نشستم و پرسیدم:

■ ارزیابی شما از این روزهای سینمای ایران چیست؟

کافه پیشنهاد

اینک؛ جشنواره

عسل عباسیان



تعجب نکنید! امروز را سرزده میهمان کافه‌ما باشید! از آنجایی که پنجشنبه‌ای که گذشت کافه‌پیشنهاد به خاطر آگهی یک چهارم از صفحه بیرون مانده امروز از شما دعوت می‌کنم تا دقایقی بر صندلی‌های کافه‌ما تکیه زده و پیشنهاد تئاتر رضا گوران را در بین کارهای جشنواره مرور کنید تا روز پنجشنبه مقصد تر خدمت‌تان برسیم!

رضا گوران، کارگردان ونمایشنامه‌نویس نام‌آشنایی است که این روزها نمایش «خاموشی دریا» به قلم او میهمان جشنواره تئاتر فجر است. این نمایش که امروز یعنی یکشنبه شانزدهم بهمن در تالار سایه تئاترشهر روی صحنه می‌رود، چند ماه پیش هم روی صحنه رفته بود و «هیما دقتان» آن را کارگردانی کرده است. از بحث خودمان غافل نشویم، پیشنهاد رضا گوران در

دکه

نهمین شماره «خط‌خطی» منتشر شد

به موضوع افزایش قیمت‌ها و تورم و فشار بر اقشار کم‌درآمد اختصاص دارد که علی درخشی، آن را به تصویر کشیده است. خط‌خطی به مدیریت مسروولی کیارش



زندی، سردبیری امین موبدی و معاونت سردبیری هادی حیدری منتشر شده است. احسان ناظم‌پکایی دبیر تحریریه، علی درخشی دبیر کارتون و تصویرسازی و محسن ایزدی دبیر اجرایی این ماهنامه هستند. خط‌خطی به قیمت ۲۰۰۰ تومان (کمظطر از یک دلار) از امروز روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌های سراسر کشور قرار دارد.



حسن کریم زاده
www.karimzadehstudio.com



تولید دیگر

پل استر، تصویر گر آدم‌های سرگردان



خجسته کیهان

پل بنیامین استر، متولد ۱۹۴۷، یکی از نویسندگان مطرح آمریکاست که آثار خود را با تلفیقی از عناصر اگزیستانسیالیسم، پوچ‌گرایی، روند‌های پلیسی، جست‌وجوی هویت و مفهوم هستی شکل می‌بخشد. او در خانواده‌ای متوسط در ایالت نیوجرسی به دنیا آمد، نوجوانی را همانجا گذراند، سپس به نیویورک رفت و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده ادبیات دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۷۰، برای تکمیل آموختن زبان و ادبیات فرانسه روانه پاریس شد. استر در چهار سالی که در فرانسه به سر برد به ترجمه آثار ادبی فرانسه، از جمله اشعار مالارمه پرداخت.

پل استر پس از بازگشت به آمریکا در سال ۱۹۷۴ انتشار اشعار، مقالات و رمان‌های خود را آغاز کرد، اگرچه ابتدا در این راه با سختی‌هایی روبه‌رو بود (به‌طوری‌که ۱۵ ناشر رمان شهر شیشه‌ای را رد کرده بودند). او پس از ازدواج با همسر دومش سیری هوسودت نویسنده در سال ۱۹۸۱، به محله بروکلین در نیویورک نقل مکان کرد و تا به امروز همانجا زندگی می‌کند.

استر پس از انتشار اولین اثرش به‌نام اختراع تنهایی، با نوشتن سه رمان نسبتاً متصل و ظاهراً پلیسی زیر عنوان «سه‌گانه نیویورک» که به شهرت رسید (او اینک معاون انجمن قلم آمریکا نیز هست). این سه اثر، یعنی «شهر شیشه‌ای»، «ارواح» و «تاق در بسته» مانند رمان‌های پلیسی قراردادی حول محور کشف یک جنایت سامان نیافته‌اند، بلکه نویسنده فرم پلیسی را برای پرداختن به مقوله‌های هستی‌شناسانه، همچنین هویت، فضاهای شهری، زبان و ادبیات به کار برده است.

از دیدگاه برخی از تحلیلگران آثار پل استر از

مهر: دومین رمان «لاریوش مهرجویی» نویسنده و کارگردان سینما با عنوان «خرابات مغان» که بیش از یک‌سال از رایه آن به اداره کتاب از سوی نشر قطره می‌گذرد، همچنان در انتظار اعلام وضعیت از سوی اداره کتاب به سر می‌برد. مهرجویی این رمان را پس از چند نوبت بازنویسی سال گذشته به نشر قطره ارائه کرده است و بنابر اعلام ناشر تاکنون هیچ پاسخی از دیدگاه برخی از تحلیلگران آثار پل استر از

برش از اخبار

مهرجویی در انتظار پاسخ اداره کتاب

از سوی اداره کتاب حتی مبنی بر اصلاح بخش‌هایی از این اثر ارایه نشده است. «خرابات مغان» داستان دانشجوی مسلمان ایرانی را روایت می‌کند که با وجود همه دغدغه‌های دینی خود برای تحصیل به آمریکا سفر می‌کند... این رمان پیش از این قرار بود از سوی نشر هرمس منتشر شود، اما با تصمیم نویسنده انتشار این اثر نیز به نشر قطره سپرده شده است.

تقویم تاریخ

ژاک پروور

بسیار ساده، بسیار دست‌نیافتنی

احمد پوری



■ ژاک پروور گاه به صورت باورنکردنی ساده است. شعر را که می‌خوانی پیش خود می‌گویی «همین؟» اما دقت که می‌کنی می‌بینی با چینش واژه‌های دم دست

کنار هم در ساختاری بدون گره و سر راست جوهر رازی را درون آن پنهان کرده که پس از کشف بدل به انفجاری می‌شود که از شعر انتظار داریم. در بسیاری از شعرها او پشت دوربینی از یک حادثه از یک منظره فیلم می‌گیرد اما می‌داند با مونتاژ هوشیاراناش اسرارپندار شما را به آن هسته‌ای که در دل همان جریان ساده است خواهد رساند. این شعر او را با هم بخوانیم:

به خاطر تو عشق من
به خاطر تو عشق من
رقتم به بازار پرندفروش‌ها
و برایت پرندهای خریدم
به خاطر تو
عشق من
رقتم به بازار گل‌فروشان
و برایت شاخای گل خریدم
به خاطر تو
عشق من
رقتم به جمعه بازار
و برایت زنجیر خریدم
زنجیری سنگین
به خاطر تو
عشق من
و رقتم به بازار برده‌فروشان
گشتم به دنبال تو
و پیدایت نکردم

دو بند اول کلیشه‌ای‌ترین اظهار عشق یک عاشق است که در آن برای محبوب خود پرنده و گل می‌خرد. در بند سوم از دست‌فروشان برایش زنجیری سنگین می‌خرد! چرا؟

بند آخر شعر به چرا پاسخ می‌دهد این عاشق نیز مانند بسیاری از عاشقان به دنبال برده است تا انسانی آزاد که با حقوقی برابر عاشقش شود. عشق او سر تا سر لطف‌هایی خواهد بود که در حق معشوق می‌شود و در عوض از معشوق انتظار می‌رود به پاس آنها رام او باشد. ناگاهی به شعر دیگری از او بیندازیم:

ملافه‌های سفید در گنجه
ملافه‌های سرخ روی تخت
کودکی درون مادر
مادر سرا پا درد
پدر در سرسرا
سرسرا در خانه
خانه در شهر
شهر در شب
مرگ در یک فریاد
و کودک در زندگی.

زنی در بستر در حال زایمان است. شوهرش با نگرانی در سراسر است. کودک که دنیا می‌آید. زن می‌میرد. این حادثه با غیرمستقیم‌ترین شکلی به وسیله چند عکس فوری بیان می‌شود و مخاطب این عکس‌ها را کنار هم می‌چیند و با اندوه تمام شکفتن یک زندگی و خاموش شدن زندگی دیگری را می‌بیند. ژاک پروور زنده موسیقی بود. سناریوی فیلم می‌نوشت و شاعر هم بود. از بسیاری از فرانسوی‌ها زمانی که بپرسید یک شاعر کلاسیک و یک شاعر امروز را نام ببر، بی‌درنگ خواهند گفت: «ویکتور هوگو و ژاک پروور» زیرا او دو، شعرهای خود را در زبان بسیاری از فرانسوی‌ها جاری دارند و در دلشان خانه.

رویداد

نمایشگاه نگارگری در «ایده»



■ شرق: نمایشگاه نگارگری‌های فرزانه عبادی‌فرد در گالری «ایده» رومانیایی شد. این نمایشگاه از چهاردهم تا بیست و هفتم بهمن در گالری «ایده» میزبان مخاطبانش است. این اولین نمایشگاه انفرادی عبادی‌فرد است. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه به آدرس تهران، خیابان خرم‌دند شمالی، کوچه هجدهم، شماره ۲۶ گالری «ایده» مراجعه کنند.